

**مرگ دلخراش**  
**مأمور**  
**پلیس راه کرمان**

مأمور پلیس راه هنگام بررسی صحنه تصادف، به طرز دلخراشی جان باخت. حوالی شامگاه هشتم آذر ماه وقوع تصادف بین یک کامیون با عابر پیاده در محدوده پل «ترزج» محور اناز - شهر بایک به مرکز فوریت‌های پلیسی گزارش شد. با حضور مأموران در محل مشخص شد یک کامیون عبوری از این محور با یک عابر پیاده برخورد کرده که پس از آن بنا به دلایلی از جاده منحرف و قسمت کانتینر آن جدا شده است. در ادامه مأموران پلیس راه مشغول بررسی صحنه و هدایت یک جرثقیل برای بارگیری کانتینر از کنار جاده بودند که این کانتینر حین جابه‌جایی با سر یک نفر از کارکنان پلیس راه شهر بایک برخورد کرد و این مأمور پس از انتقال به بیمارستان به دلیل شدت جراحات وارد شده جان خود را از دست داد.

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

**موسیقی**

**پایان گروه کانگیری در بندر ترکمن**

**شهروند |** نوجوان ۱۶ ساله از چنگال آدم‌ربایان در بندر ترکمن رهایی یافت. به دنبال اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع آدم‌ربایی در یکی از محله‌های بندر ترکمن، بلافاصله تیمی از مأموران انتظامی شهرستان به محل اعزام شدند. با حضور مأموران در محل مشخص شد نوجوان ۱۶ ساله‌ای در باشگاه مشغول ورزش بوده که راکبان یک موتورسیکلت با تهدید و توسل به زور، او را ربوده و به مکانی نامعلوم گریخته‌اند. با توجه به حساسیت موضوع، پیگیری‌های پلیس آغاز شد و پس از رصد سرخ‌های موجود و یکسری اقدامات اطلاعاتی سرانجام مأموران موفق شدند دو متهم و گروهان را در یکی از پارک‌های سطح شهرستان شناسایی و در عملیاتی ضربتی آدم‌ربایان را دستگیر کنند. متهمان در تحقیقات مقدماتی پلیس انگیزه خود از ارتکاب جرم را مشکلات شخصی عنوان کردند. نوجوان ۱۶ ساله به خانواده‌اش تحویل داده شد. خانواده این پسر اقدام سریع و هوشمندانه پلیس تشکر کرده و برای نیروهای خدمت انتظامی آرزوی سلامتی و توفیق کردند.

**پلیس، کودک گمشده را به آغوش خانواده‌اش بازگرداند**

با تلاش مأمور پلیس راهور شهرستان بیرجند کودک گمشده در زمان کوتاهی به آغوش خانواده بازگشت. مأموران هنگام گشت‌زنی در خیابان معلم کودک خردسالی را مشاهده کرد که پدر و مادرش را گم کرده و در خیابان سرگردان است. مأمور وظیفه‌شناس پلیس بلافاصله کودک خردسال را به ایستگاه پلیس راهور در خیابان معلم منتقل کرد و ضمن دعوت به آرامش کودک و پذیرایی از او، طی تماس با تلفن همراه مادر کودک او را به آغوش خانواده بازگرداند. والدین کودک طی تماس با ۱۹۷ مرکز نظارت همگانی پلیس از اقدام این مأمور وظیفه‌شناس پلیس قدردانی کردند.

**افزایش تعداد جانباختگان حوادث رانندگی**

**شهروند |** تعداد قربانیان حوادث رانندگی در هفت‌ماه امسال، نسبت به مدت مشابه سال ۹۷، ۲۳۰ نفر افزایش یافت. همچنین در این مدت بیش از ۲۲۸ هزار نفر مصدوم شده‌اند.

بنابر آمارهای استخراج‌شده از سازمان پزشکی قانونی کشور، در هفت‌ماه گذشته، ۱۱ هزار و ۲۹ نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست داده‌اند و تعداد متوفیان ناشی از حوادث رانندگی در این بازه زمانی نسبت به مدت مشابه سال ۹۷ رشد ۲۰۱ درصدی داشته است. در هفت‌ماه ابتدایی سال ۹۷، ۱۰ هزار و ۷۹۹ نفر جان باخته بودند. بنابراین آمار هشت‌هزار و ۷۹۷ نفر از متوفیان سوانح رانندگی در هفت‌ماهه ابتدایی سال ۹۸ مرد و دوهزار و ۵۰ نفر زن بودند.

استان‌های بوشهر، ایلام و همدان به ترتیب با ارقام ۳۷۹، ۳۴۵ و ۲۶۶ بیشترین افزایش تعداد کشته‌شدگان در حوادث رانندگی در هفت‌ماه ابتدایی سال ۹۸ را داشتند و استان‌های کردستان، چهارمحال و بختیاری و گلستان با ارقام ۱۹۲، ۱۹۶ و ۱۶۵ - بیشترین کاهش متوفیان حوادث رانندگی در بازه مذکور نسبت به مدت مشابه سال گذشته را به خود اختصاص دادند.

در هفت‌ماه ابتدایی سال جاری، ۲۲۷ هزار و ۸۳۶ نفر در حوادث رانندگی مصدوم شدند، در حالی که در مدت مشابه سال گذشته این رقم، ۲۲۸ هزار و ۵۷۷ نفر بود و به این ترتیب شاهد کاهش سدهم درصدی در تعداد مصدومان سوانح رانندگی بودیم. همچنین ۱۶۲ هزار و ۲۰۵ نفر از مصدومان در سوانح رانندگی هفت‌ماهه سال ۹۸، مرد و ۶۵ هزار و ۶۳۱ نفر زن بودند.

سابقه‌دار هادر خانه مجلل باز بگر معروف جمع بودند

# خانه هنرپیشه زندانی، پاتوق دزدان آشنا



یکی از دوستان قدیمی و دوران کودکی یکی از آنها بوده است. سارقی که با هنرپیشه معروف دوست بود، در تحقیقات درباره نحوه آشنایی‌اش گفت: «ز ۱۵ سال پیش به خاطر خرید مواد مخدر با این هنرپیشه آشنا شدم. او اعتیاد نداشت، اما رفتنی گاهی مواد مصرفی کرد و برای خرید مواد با من آشنا شد. از همان زمان به بعد دو دوست صمیمی شدیم که همیشه و همه جا در کنار هم بودیم. وقتی او دستگیر شد و به زندان افتاد، خانه مادری‌اش خالی ماند. برای همین در این مدت با همدستانم پس از سرقت‌هایمان به این خانه می‌رفتیم و اموال سرقتی را آنجا پنهان می‌کردیم.»

تجسس‌های دیگر پلیسی نشان داد که این هنرپیشه بعد از ازدواجش نیز در همان ساختمانی که خانه مادری او بوده است، به همراه همسر و پدر و مادرش زندگی می‌کرد. اما بعد از متار که با همسرش پدر و مادرش نیز به فاصله کمی فوت کردند و این مرد جوان در آن خانه تنها ساکن شد. اما بعد از اینکه به دلیل جعل سند به زندان رفت، کلید خانه‌اش را در اختیار دوستش که سارق بود، قرار داد و او نیز با همدستی سه نفر دیگر این محل را به‌عنوان پاتوق انتخاب کرده و اموال سرقتی را پس از سرقت در این مکان پنهان می‌کرد.

گوشی‌های تلفن همراه، تابلوهای نفیس، لوازم تزیینی و غیره کشف و ضبط شد. با بررسی ارزش ریالی ارقام سرقتی ارزش آن بیش از ۸۰۰ میلیون تومان برآورد شد. همزمان در جریان تحقیقات پلیسی مشخص شد مالک آن ساختمان، یکی از هنرپیشه‌های معروف تلویزیون در دهه ۷۰ است که آن زمان در فیلم و سریال‌های محبوبی ایفای نقش کرده بود. اما این هنرپیشه از مدتی قبل به دلیل جعل و کلاهبرداری دستگیر شد و در حال حاضر در زندان به سر می‌برد. گویا یک‌سال و نیم پیش این بازیگر معروف، با همدستی چند نفر از دوستانش قصد فروش خانه‌ای را با جعل سند داشت، اما دستش رو شد و به زندان رفت، البته پرونده این هنرپیشه به همین جا ختم نمی‌شود و اتهامات دیگری در سال‌های گذشته در سابقه قضائی خود ثبت کرده است.



**پایان کلاهبرداری‌های بهروز و محسن**

**شهروند |** کلاهبردار حرفه‌ای پس از سه سال فرار از سوی کارآگاهان پلیس پایتخت به دام افتاد. در سال ۹۵ فردی به نام محسن چهل‌ودو ساله با همکاری همدستش شرکتی را در کرخ تأسیس کردند که با سربرگ جعلی یکی از نهادهای دولتی خودروهای ایرانی را خرید و فروش می‌کردند. اعضای این باند دونه‌فرو کلاهبرداری علاوه بر خرید و فروش خودرو، قواره‌های بزرگی از زمین را انتخاب می‌کردند و با قطعه‌قطعه کردن و جعل مدارک برای آنها به تعدادی از شهروندان می‌فروختند. ارزش ریالی اموالی که متهمان این پرونده در سال ۹۵ کلاهبرداری کرده بودند، بالغ بر ۲۰۰ میلیارد ریال برآورد شده بود. داندسرای کرخ در تحقیقات مقدماتی متوجه می‌شود زمینی که این افراد تحت عنوان زمین یکی از نهادهای دولتی قطعه‌بندی کرده‌اند و به شهروندان فروخته‌اند، در توقیف دادگستری است. با بر ملا شدن این موضوع محسن به همراه همدستش به نام بهروز از کرخ متواری و در تهران مخفی می‌شوند که پرونده برای شناسایی مخفیگاه متهمان و تحقیقات تخصصی از شعبه ۱۲ دادسرای ناحیه ۳ شهید بهشتی کرخ به اداره چهاردهم پلیس آگاهی پایتخت ارجاع داده می‌شود.

بلافاصله کارآگاهان اداره چهاردهم با انجام یک رشته اقدامات پلیسی موفق می‌شوند مخفیگاه محسن را شناسایی و در یک عملیات پلیسی او را دستگیر کنند. با انتقال محسن به اداره چهاردهم او در بازجویی‌های پلیسی اعتراف کرد: «با همکاری دوستم بهروز که ۵۰ سال دارد شرکت را راه‌اندازی کردیم و با آگهی فروش خودرو و زمین با شرایط و سوسه‌برانگیز شهروندان را ترغیب به خرید و به منظور جلب اعتماد آنان از سربرگ جعلی یکی از نهادهای دولتی استفاده می‌کردیم. یک قطعه زمین در حومه کرخ را قطعه‌بندی کردیم و با تهیه اسناد جعلی آنها را به مالباختگان فروختیم که توقیفی از کار درآمد و اقدامات متقابلانه ما بر ملا شد.»

محسن پس از آنکه ۷۰ تن از شاکیان او را شناسایی کردند، روانه زندان شد؛ اما امسال بار دیگر پرونده‌ای از کرخ برای دستگیری بهروز به اداره چهاردهم پلیس آگاهی ارجاع و تحقیقات پلیسی برای شناسایی مخفیگاه او آغاز شد. تحقیقات پلیسی حکایت از این داشت که بهروز دفتر کاری را در شمال تهران تأسیس کرده است و در مرکز تهران نیز مشغول کلاهبرداری از شهروندان است که مأموران بلافاصله به دفتر کار او مراجعه و متهم را در محل کارش دستگیر کرده و به پلیس آگاهی تهران بزرگ انتقال دادند.

**دفن دوست قدیمی در باغچه خانه**



**شهروند |** قاتل فراری که دوست خود را کشته و در باغچه خانه دفن کرده بود، دستگیر شد. بیست‌وسوم شهریور پرونده ناپدید شدن مردی به نام داود شصت‌وهشت‌ساله پیش روی باز پرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی قرار گرفت. سه ماه بود که داود به خانه نیامده بود، او اعتیاد شدیدی داشت و در ماشینش زندگی می‌کرد ولی این اولین باری بود که خانواده‌اش به مدت طولانی از اوبی خبر بودند. این‌طور به نظر می‌رسد که داود قربانی یک جنایت شده باشد به همین خاطر پرونده برای رسیدگی تخصصی در اختیار کارآگاهان اداره بازدم معاونت مبارزه با جرایم جنایی قرار گرفت. در گام نخست تحقیقات کارآگاهان اقدام به ثبت دستور توقیف خودرو کردند و پلیس کاشان در بیست‌وهفتم شهریور خود را دواد را کشف کرد. با انجام اقدامات پلیسی و بهره‌گیری از روش‌های علمی کشف جرم، مأموران در خودرو به رد پای مردی به نام مجید چهل‌وپنج‌ساله رسیدند که ساکن زنجان بود. کارآگاهان با انعکاس اطلاعات به دست آمده به باز پرس پرونده راهی محل سکونت او شدند که در مراجعه متوجه شدند مجید محل سکونت خود را ترک کرده است و در بررسی بیشتر مشخص شد او به یکی از شهرهای جنوبی کشور رفته است. مجید که سابقه‌دار بود در مخفیگاهش دستگیر شد و به قتل دوستش داود اعتراف کرد. «با مقتول از سال‌ها پیش دوست بودم و در روز حادثه با هم به خانه من آمدیم و پس از مصرف مواد مخدر با توجه به اینکه من مبلغ ۳ میلیون تومان از او طلب داشتم، خواستم که بدهی خود را پس بدهد ولی داود شروع به سروصدا و فحاشی کرد و وقتی به خانواده‌ام ناسزا گفت من عصبانی شده و با او درگیر شدم و در حین درگیری با شیء سسنگینی که در اتاق بود، چند ضربه به سرش زدم و او به زمین افتاد. بعد از چند لحظه متوجه شدم نبضش دیگر نمی‌زند. برای خلاص شدن از دست جنازه تنها فکری که به ذهنم رسید این بود که جسد داود را در باغچه منزل مان دفن کنم. با کندن گودالی به عمق نیم‌متر جسد داود را دفن کرده و با خودرو مقتول شبانه راهی کاشان شدم ولی از ترس اینکه پلیس، من را شناسایی کند، خودرو مقتول را در کاشان رها کردم.» با توجه به اظهارات متهم کارآگاهان به روستای محل جنایت مراجعه کردند و پس از حفر محل اعلامی از سوی قاتل جسد داود کشف و به تهران منتقل شد.

سرهنگ کارآگاه علی گودرزی، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی، با اعلام این خبر گفت: «با توجه به اقرار مجید به قتل داود و کشف جسد مقتول، متهم با دستور باز پرس شعبه ششم دادسرای ناحیه ۲۷ جنایی تهران به منظور تحقیقات تکمیلی و با توجه به تغییر عنوان پرونده از فقدان به قتل در اختیار کارآگاهان اداره چهاردهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.»